

آنچه از آغاز بود، آنچه شنیده و با چشمان خود دیده‌ایم، آنچه بدان نگریستیم و با دستهای خود لمس کردیم، یعنی کلام حیات، آن را به شما اعلام می‌کنیم. ۲. حیات ظاهر شد؛ ما آن را دیده‌ایم و بر آن شهادت می‌دهیم. ما حیات جاویدان را به شما اعلام می‌کنیم، که با پدر بود و بر ما ظاهر شد. ۳. ما آنچه را دیده و شنیده‌ایم به شما نیز اعلام می‌کنیم تا شما نیز با ما رفاقت داشته باشید؛ رفاقت ما با پدر و با پسرش عیسی مسیح است.



بین انجمن عزیز!

«ببینید چه محبتی به ما نشان داده است - اینگونه است که یوحنا امروز

صبح ما را از خواب بیدار می‌کند.» ببین، ببین، چشمت را به عشق خدا باز کن. آری محبت خدا دیده می‌شود. محبت خدا به صورت فیزیکی چهره دارد. آن صورت نمایان شده و شکل گرفته است: کودک در آخور است؛ عیسی، پسر خدا. این عشق تأثیری وصف ناپذیر دارد. او پر از قدرت است. مردم و در نتیجه جهان را تغییر می‌دهد.

در اینجا در کتاب مقدس، یوحنا تأثیر محبت خدا را شرح می‌دهد: اینک مسیح متولد شد به سه شکل جمع‌بندی می‌شود: ۱. ما از طریق او فرزندان خدا هستیم. ۲. از طریق او زندگی ما تجدید می‌شود. ۳. از طریق او ما یک امید زنده داریم. به طور خلاصه: محبت خدا را نسبت به ما، بر ما، و در ما آشکار می‌شود.

۱. ببین، مسیح متولد شد: ما از طریق او فرزندان خدا هستیم.

ما انسانها مخلوق خدا هستیم. با اساس ذات انسانی ما دیگر فرزند خدا نیستیم. ما ذاتاً نسبت به خدا کور هستیم. در بین ما انسانها تنها گمان‌ها وجود دارند که امکان دارد خدا وجود دارد. ادیان نشانه‌ها از این موضوع هستند. اما ما از عشق بزرگ خدا کور هستیم. کتاب مقدس این نابینایی را گناه می‌نامد. هر چقدر هم که تلاش می‌کنیم، هر چقدر هم که خودمان را جمع می‌کنیم و دستاوردهای بزرگی به دست فناوری، پزشکی و هنر می‌رسد، کوری نسبت به خدا باقی می‌ماند. چه کسی می‌تواند ما را از این وضعیت درمان کند؟ کدام دکتر می‌تواند ما را از این کوری رها کند؟ خود خدا می‌گوید: "من خداوند پزشکی شما هستم" (خروج ۱۵، ۲۶) و عیسی را می‌فرستد. و عیسی انسان‌ها را شفا می‌دهد. او چشمان ما را به حضور خدا باز می‌کند. او ما را به خدا باز می‌گرداند. او دوباره به ما معاشرت عمیق و صمیمی با کسی می‌دهد که همه چیز را در دستان خود دارد. ببینید، جامعه عزیز: آب غسل تعمید همراه با کلام خدا که بر سر ما ریخته شد و گفته شد، ما را به خدا متصل کرد. بنابراین، پولس رسول وقتی به غسل تعمید می‌انداخت، از «به غسل تولد تازه و نو شدنی که از روح‌القدس است» صحبت می‌کند (تیتوس ۳، ۵) از آن زمان ما نه تنها نام خداوند مسیح را یدک می‌کشیم. ما واقعاً فرزندان خدا هستیم: "ببینید که پدر چه محبتی به ما نشان داده است که ما باید فرزندان خدا خوانده شویم - این واقعیتی است که شما را خوشحال می‌کند." و همه چیز در بیت لحم، با عیسی، کودک در آخور و پس از آن در آخور تعمید شما آغاز شد. مواقعی وجود دارد که کسی اطلاع در مورد انجمن کلیسا ی ما می‌خواهد. چه جوابی بدهیم؟ گاهی اوقات اینگونه جواب می‌دهیم: کلیسا هنوز هم تعداد زیادی از اعضای کلیسا را در بر می‌گیرد. هنوز عده‌ای هستند که کتاب مقدس را می‌خوانند، هنوز یک گروه جوان وجود دارد، هنوز... اما چرا می‌گوییم «هنوز»، جامعه عزیز؟ این واقعیت که مردم به عیسی ایمان دارند، این که مردم به نام عیسی گرد هم می‌آیند، به هیچ وجه عادی‌ترین چیز در جهان نیست. این یک معجزه است. و شما بخشی از این معجزه هستید. و کلیسا یک موزه قدیمی نیست که هنوز وجود دارد. هیچ کسی نمی‌تواند خود را فرزند خدا بسازد. این یک هدیه است. و خدا به ما آن وعده داده است که کودک باشیم. به همین دلیل است که در حال حاضر دو یا سه نفر هستند که کتاب مقدس را با هم می‌خوانند. به همین دلیل است که ۸ یا ۱۵ یا حتی ۵۰ نفر می‌آیند تا مراسم را جشن بگیرند، با هم دعا کنند و خدا را پرستش می‌کنند. ما فقط می‌توانیم در مورد آن شگفت زده و تشویق شویم. همانطور که در بیت لحم انجام داد، عیسی امروز نیز افراد با پیشینه‌های بسیار متفاوت را در حضور خود گرد هم می‌آورد.

برخی می بینند که ما هر یکشنبه به کلیسا می روند و پشت سر می گویند: "اما آنها بهتر از دیگران نیستند." - مطمئناً مایه شرمساری است که مسیحیان چند بار ضد فرمان های عیسی زندگی می کنند. خدا را شکر همچنین چیزی را می توانید متفاوت بشاد: شاید آنها در مورد این واقعیت که فرزندان خدا هستند جدی هستند. و در مورد آن پشیمان هستند که طبق فرمان خدا زندگی نمی کنند و فقط می خواهند مسیح را ملاقات می کند تا شفا یابند.

اینک، مسیح متولد شد: ما از طریق او فرزندان خدا هستیم.

دوم) از طریق او زندگی ما تجدید می شود.

مادری با نوزاد تازه متولد شده اش در خیابان راه می رود. یکی از آشنایان به دیدن او آمد و به کالسکه نگاه می کند و صدا می زند: آن کودک درست شبیه پدرش است. مادر جواب داد: «اما او یک دختره است.» آشنا جواب داد: «اما خانواده روی صورتش نوشته شده است.» بله جامعه عزیز! بچه ها همیشه چیزهای از والدینشان ارث می برند. والدین خود را مشاهده می کنند و الگو از آنها دنبال می کنند. به این دلیل می توان ببینید که بچه کوچک شبیه پدرش صحبت می کند و مادرش را در رفتار او می بینید. در مورد ما مسیحیان به عنون فرزندان خدا همینطور است. با غسل تعمید ما روح خدا را دریافت کرده ایم. و کسی که به مسیح نگاه می کند همانگونه که هست باقی نمی ماند. عیسی به ما نشان می دهد چگونه ما باید با مردم رفتار کنیم و با آنها صحبت کنیم. او نشان داد چگونه با پدرش صحبت می کرد و چگونه به حقیقت شهادت می داد اما هرگز با خشونت به دیگران واکنش نشان نداد. او به ما نشان داد که مهمترین چیز در زندگی چیست: اینکه با او بمانیم. زندگی هر کسی که از عیسی پیروی می کند تغییر کرده است. دیگران احساس می کنند که مسیحیان توسط چه کسانی هدایت می شوند، فرزندان روحانی از کجا اهل شوند. به عنوان مثال، مسیحیان بستانی این علامت مسیحیان داشتند که از کودکان بیمار، رها شده یا تبعید شده مراقبت می کردند. هنگامی که کلیسای ما در قرن نوزدهم تأسیس شد، مردم در خانه‌ها برای مطالعه کتاب مقدس ملاقات می کردند - این یک علامت تجاری بود، بسیاری از وظایف در جوامع ما به صورت داوطلبانه انجام می شدند - اغلب بدون شکایت آن کار را انجام می دادند. اینگونه می توان عشق به مسیح و جامعه او را احساس کرد. تعداد کمی از مردم از این تعهد شگفت زده می شوند. شما می توانید همچنین چیزی را نیز سر کار تجربه کنید: رئیس یک شرکت در تورینگن چند سال پیش به من گفت که یکی از کارمندانش به او پیشنهاد کرد: «شما هم می توانید برای حفظ مشاغل دعا کنید. و پس از آن شرایط بهتر شد. و تا الان وقتی مشکل پیش می آید آن فرد دوباره می گوید: «رئیس، شما هم می توانید برای آن مشکل دعا کنید.» هر کسی که توسط مسیح عطا شده است، کاری جز انتقال آن نمی تواند انجام دهد. این گونه است که مسیح باعث تجدید و تغییر در زندگی من و در نحوه زندگی مردم با هم می شود. و این تغییر با یک تطهیر درونی همراه است: این که به نام خدا گناه شناخته، اقرار و بخشوده می شود. اینک، مسیح متولد شد: ما از طریق او فرزندان خدا هستیم. از طریق او زندگی ما تجدید می شود.

سوم: از طریق او ما یک امید زنده داریم.

یوحنا یک واقع بین است. او می نویسد: «ما از قبل فرزندان خدا هستیم. اما هنوز مشخص نشده است که ما چه خواهیم بود. اما می دانیم که وقتی آشکار شود، مانند او خواهیم بود، زیرا او را آنگونه که هست خواهیم دید.» یوحنا با هوشیاری می گوید: ما فرزندان خدا هستیم، اما این هنوز کاملاً قابل مشاهده نیست. این همان جایی است که «هنوز» به آن تعلق دارد و هم مهم است. تکمیل فرزند بودن ما هنوز در انتظار است. پادشاهی خدا هنوز قابل مشاهده نیست. ما واقعاً از طریق مسیح از گناه آزاد شده ایم. اما ما هنوز بی گناه نیستیم. فرد که می خواهد آن را انکار کند، بارها و بارها در دام هایی که دشمن خدا برپا می کند، می افتد. این یک چالش است و می ماند. بنابراین آیا باید تسلیم شویم؟ آیا باید از مسیح و کلیسای او دور شویم، بر اساس این شعار: فایده ای ندارد؟ این کار را نکن خواهر و برادر عزیز! با عیسی مسیح بمان. یوحنا در نامه خود نوشت: ببینید خدا چه کرده است. ببینید، محبت خدا در عیسی ظاهر شده است. به واسطه او فرزند خدا هستی. ما در راه هستیم اما هنوز به مقصد نرسیده ایم. و جاده، هر چقدر هم که سخت باشد، جاده ناامنی نیست. عیسی راه را رهبری کرد تا هرکسی از او پیروی کند به هدف برسد: جایی است که ترس و شکایت خاموش می شود، جای است که غم و اندوه را با شادی جایگزین می شوند. گناه و نقص به پایان می رسد و عشق هر حسادت و هر نفرت را از بین می برد. نگاه کنید، جامعه عزیز، مسیح به ندای ما آمده است. پیام کریسمس را بارها و بارها تماشا کنید. از معجزه تولد او بخوان، به سفره خداوند بیا، با شبانان در برابر او زانو بزن. ما از طریق مسیح فرزندان خدا هستیم. از طریق او در زندگی ما تجدید می شویم و ما از طریق او یک امید زنده داریم. «ببینید که پدر آسمانی چه محبتی به ما نشان داده است.» آمین.